

همه‌اش همین‌جا انجام شد؟

همین‌جا انجام شد. اصلا این تکنیک در دنیا به نام کشور ما و به نام رویان ثبت شد. خب این هم یکی از همان کارهایی است که اولین بار ما بودیم که اجرایی کردیم ولی کار خبری درباره‌اش انجام ندادیم. به نظر ما ارزش خبری نداشت که بخواهیم در تلویزیون اعلام کنیم و بگوییم ما آمدم روش شبیه‌سازی را خیلی کارآمد کردیم. چون در عین حال که شبیه‌سازی برای عموم مردم جالب است ولی اینکه من یک سوزن را چه کار کردم و چگونه یک فرایند تخصصی را انجام دادم و... این‌ها عملکردهای تکنیکی است و به درد جامعه دانشگاهی می‌خورد و نه عموم مردم. به هر حال دوستانمان اینجا این روش را ابداع کردند و اصلا این روش باعث تجاری‌سازی روش شبیه‌سازی ما شد و بنابراین کار قشنگی بود که در این مجموعه انجام شد و موفق بود. فیلم‌ها و مستنداتش هم هست که می‌توانید پخش کنید و اطلاعات کتاب‌هایی که آن‌ها چاپ کردند و جاهایی که چاپ شده هم موجود است.

اگر بخواهید جایگاهتان را در حوزه‌ی زیست‌فناوری تعیین کنید دقیقا کجای بحث زیست‌فناوری هستید؟

ما در حوزه‌ی زیست‌فناوری چندین حرکت کردیم. یکی تولید پروتئین‌های نوترکیب! حالا شما می‌دانید که بالاترین و بیشترین پروتئین‌های نوترکیب را شرکت سیناژن دارد تولید می‌کند. اول اینکه جای تبریک دارد چون واقعا جایگاه بیوتکنولوژی و داروهای نوترکیب ایران را در سطح دنیا خیلی بالا بردند. کارشان هم خیلی خوب بود و وابستگی دلاری و واردات دارویی ما را به خیلی از کشورها قطع کردند. ما هم توانستیم خیلی از این پروتئین‌ها را تولید کنیم ولی دیگر پول راه‌اندازی کارخانه‌هایی برای تولید نداشتیم و بنابراین یکی از جاهایی که ما کار کردیم در همین زمینه‌ی پروتئین‌های نوترکیب است ولی زیرساخت‌های تولیدی و پولی‌اش را نداشتیم. ما حیوان‌هایی را تولید کردیم- همان شنگول و منگول و حبه‌ی انگور- که این‌ها در شیرشان دارو تولید می‌کردند. ما این حیوان را تولید کردیم ولی از آنجا به بعد نتوانستیم ادامه بدهیم چون من کارخانه‌ی دارویی نداشتم که بتوانم از این شیر دارو استخراج کنم و داروی استخراج شده را برسانم به سفره‌ی مردم. با اینکه داروی بسیار خوب و بسیار ارزشمندی است. یک سری از زیرساخت‌ها اینجا نبود. می‌گویند خدا پدر بی‌پولی را بسوزاند این هم یکی از قسمت‌هایی است که ما باهاش همین مسئله را داشتیم. ما پول نداشتم پروتئین‌هایی که تولید کردیم را به صورت کارخانه‌ای تولید کنیم. زیرساختش هم در اصفهان حداقل برای من نبود، لذا فکر کردم بیاییم در کارهایی وارد شویم که تجاری‌سازی‌اش برای ما راحت‌تر است. پس با یک گروه از دوستان صحبت کردیم تا واکسن‌هایی را بسازیم که بتوانیم با اسهال دام که خیلی در دامداری‌ها شایع است مقابله کنیم.



فکر کردیم و آنتی‌ژن‌های بیماری‌هایی که باعث اسهال دامی می‌شد را تولید کردیم و این‌ها را به مرغ تزریق کردیم و مرغ شروع کرد به پادتن‌سازی علیه این‌ها. بعد زرده‌ی تخم مرغ را فرآوری کردیم. پادتن‌هایش را جدا کردیم و یک سری مکمل هم بهش اضافه کردیم. پدر من دامپرور بود و اولین تست‌ها را در دامپروری پدر خود من شروع کردیم. وقتی تست کردیم و دیدیم مفید بود، بهینه‌اش کردیم و به چند دامپروری دیگر دادیم. راضی بودند و آهسته آهسته به عنوان یک محصول تحقیقاتی از ما خریدند. نهایتا ثبتش کردیم و الان هم در پروسه‌ی تولید انبوه آن هستیم. در کنار این پروژه دیدیم در کشور، او.آر.اس معمولی که برای انسان است را هم دارند به دام می‌دهند درحالی‌که زیرساخت‌های الکتروولتیت دام با انسان تفاوت‌هایی دارد. آن را هم بهینه‌سازی کردیم و مجوزهایش را گرفتیم و شروع کردیم. کم‌کم چون برای گروه خودمان خوراک دام و خوراک مرغ می‌خواستیم شروع کردیم به مکمل‌سازی خوراک دام. به صورتی که الان ما در خوراک و مکمل‌سازی اسب و چیزهایی که هزاران دلار و بلکه میلیون‌ها دلار ارزبری از کشور داشت تولیداتی داریم. بالاخره اسب‌دار برای اسبش می‌خرد و می‌آورد در کشور. ما دیدیم زمینه‌اش فراهم است و تولید کردیم و این شرکت در حال حاضر شرکت پویایی شده و الان با ۱۶ محصول راه افتاده و پروژه‌های دیگری را هم کنار این داریم انجام می‌دهیم.

به عنوان سوال پایانی بگویید با توجه به اینکه همه تست‌ها را در دامداری پدرتان انجام دادید دامی هم زنده مانده؟

{خنده} شاید متجاوز از ده پانزده دام در دامپروری پدر من تلف شد که ارزش امروز هرکدامش ۲۰۰-۳۰۰ میلیون می‌شد ولی پدر من یک بار خم به ابرو نیارود و با جان و دل همه چیزش را در اختیار ما می‌گذاشت. پدر من جزو خیرینی است که با جان و دل به این پژوهش‌ها کمک کرد.

ما حیوان‌هایی را تولید کردیم- همان شنگول و حبه‌ی انگور- که این‌ها در شیرشان دارو تولید می‌کردند. ما این حیوان را تولید کردیم ولی از آنجا به بعد نتوانستیم ادامه بدهیم چون من کارخانه‌ی دارویی نداشتم.